فقدان سازوکار حزبی در فرآیند ثبت‌نام انتخابات ریاست‌جمهوری صحنه‌های عجیبی پدید آورد

جشن تکلیف در میدان فاطمی

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

پرونده ثبت‌نامی‌های انتخابات ریاست‌جمهوری، روز گذشته و بعد از تمام شدن مهلت ثبت‌نام، روی میز شورای نگهبان قرار گرفت و باید تا ۲۲ خرداد منتظر تمام شدن مرحله بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم و اعلام نتایج نهایی تایید صلاحیت‌شده‌ها ماند. انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری چهاردهم تا این مرحله کم حاشیه بوده و اتفاق عجیب نداشته‌است. می‌توان ثبت‌نام ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم را به عنوان دوره ثبت‌نام «نمایندگان ادوار مجلس» در تاریخ انتخابات‌های ریاست‌جمهوری در کشور ثبت کرد. اگرچه در این دوره از انتخابات برخلاف دوره‌های قبلی خبری از چهره‌های عجیب و غریبی که تنها برای قرار گرفتن مقابل دوربین رسانه‌ها و جنجال به پا کردن به ستاد انتخابات می‌آمدند نبود اما نمایندگان ادوار مجلس گوی سبقت را از دیگر سیاسیون و چهره‌ها ربودند و بیشتر از ۵۴ درصد ثبت‌نامی‌ها را به خود اختصاص دادند. در کنار این حضور پنج نفر از کابینه دولت سیزدهم حضور داشتند که تقریبا شعار همه آنها، ادامه راه خدمت رئیس‌جمهور شهید بود. ۲۲ خرداد ماه اما مشخص خواهد شد، که قرار است کدام نامزدهای انتخاباتی با هم رقابت کنند.

کاهش قابل توجه ثبت‌نامی‌ها به نسبت دوره‌های گذشته

در سر ثبت‌نام‌های پرتعداد و پرحاشیه انتخابات ریاست‌جمهوری، پیش از این، نقدهای زیادی را متوجه روش ثبت‌نام انتخابات ریاست‌جمهوری می‌کرد؛ در آخرین نمونه در دوره سیزدهم افرادی به ستاد انتخابات می‌آمدند که جدای از عدم صلاحیت، اصلا شرایط ثبت‌نام نداشتند اما به دلیل نقص قانونی که در این حوزه وجود داشت، در ثبت‌نام آنها ممنوعیتی اعمال نمی‌شد. حضور موتورسوار، کفن‌پوش، دانشجو برای ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری در بازتاب اخبار انتخابات این نکته را مورد توجه قرار می‌داد که چرا نقص قانونی در این رابطه برطرف نمی‌شود تا هرکسی برای ثبت‌نام در انتخاب بالاترین مقام اجرایی کشور وارد وزارت کشور نشود. علاوه بر این فرآیند رسیدگی را برای شورای نگهبان زمانبر می‌کرد. در این دوره اما وزارت کشور با اجرای مصوبه شورای نگهبان، از حضور افرادی که واجد شرایط نبودند، جلوگیری کرد. نهایتا در این دوره انتخابات، تقریبا ۸۰ داوطلب نام‌نویسی کردند که این میزان در مقایسه با دوره‌های گذشته کاهش قابل توجهی داشته است. در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم، تقریبا ۵۹۲ نفر نام‌نویسی کردند که ۷ نفر تایید شدند. در انتخابات دوره دوازدهم، هزار و ۶۳۶ داوطلب نام‌نویسی کردند که ۱۳۷ نفر زن و ۱۴۹۹ نفر مرد بودند که درنهایت ۶ نفر تایید شدند. در انتخابات سال ۹۲ نیز ۶۸۶ نفر ثبت‌نام کردند که نهایتا ۸ نفر تایید شدند. برمبنای آنچه رئیس ستاد انتخابات کشور اعلام کرد برای انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم ۲۸۷ نفر برای ثبت‌نام مراجعه کردند که ۸۰ نفر واجد شرایط ثبت‌نام بودند. این میزان در مقایسه با دوره‌های گذشته کاهش محسوسی داشته که در ادامه نیز امکان رسیدگی دقیق و بررسی صلاحیت‌ها برای شورای نگهبان را آسان‌تر می‌کند.

مصوبه شورای نگهبان که بالاخره اجرایی شد

مصوبه‌ای که وزارت کشور در این دوره آن را اجرایی کرد، پیش از این در انتخابات ۱۴۰۰ از جانب شورای نگهبان مصوب شده بود. در بند ۱۰-۵ سیاست‌های کلی انتخاباتی رهبر انقلاب، شورای نگهبان موظف شده بود در راستای ارتقای شایسته‌گزینی داوطلبان، معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر مدبر بودن را اعلام کند.» برهمین مبنا شورای نگهبان در انتخابات ۱۴۰۰ این مصوبه را به تصویب رساند و شرط سنی «حداقل ۴۰ و حداکثر ۷۵ سال»، مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد و سابقه اجرایی حداقل چهار سال را به عنوان شرایط ثبت‌نام برای انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد. اما اعلام این مصوبه رفت و برگشت و مخالفت‌هایی را از جانب وزارت کشور به همراه داشت. وزارت کشور معتقد بود چون این مصوبه برمبنای چهارچوب قانونی مصوب نشده، براین اساس برای وزارت کشور «لازم‌الاجرا» نیست و تاکید می‌کرد که هر تغییر در آیین‌نامه‌ها و قانون‌ها می‌بایست به تایید مجلس برسد و شورای نگهبان نمی‌تواند قانون را تغییر دهد و براین اساس برای لازم‌الاجرا شدن این مصوبه باید اول به تایید مجلس برسد. شورای نگهبان نیز در نقطه مقابل، می‌گفت این مصوبه قانون نیست و شورای نگهبان در راستای اجرای سیاست‌های کلی و تفسیر از رجل سیاسی آن را مصوب کرده است و همچنین تاکید می‌کرد که «در سیستم حقوقی، هنجارهای الزام‌آور فقط قانون مجلس نیست، بلکه این موارد متعدد است مثل مصوبه مجمع تشخیص مصلحت» علاوه بر این درباره شروط ثبت‌نام مصوبه شورای نگهبان نیز نقدها و بحث‌های متفاوتی مطرح بود؛ اینکه چرا حداقل شرط سنی ۴۰ و حداکثر ۷۵ سال یا چرا سابقه اجرایی چهارسال جزء شروط است. درنهایت مصوبه شورای نگهبان در انتخابات ۱۴۰۰ اجرایی نشد. اما در این دوره وزارت کشور در انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری بالاخره مصوبه شورای نگهبان را اجرایی کرد.

۶۵ درصد ثبت‌نامی‌ها از بهارستان آمدند

اگرچه اجرای مصوبه شورای نگهبان، ثبت‌نام افرادی که واجد شرایط نبودند را تا حد زیادی کاهش داد، با این حال ترکیب ثبت‌نامی‌ها در انتخابات چهاردهم بازهم حاشیه‌ساز شد. از بین ۸۰ نفری که در این ۵ روز در نام‌نویسی شرکت کردند، دو گروه حضور پررنگی داشتند؛ ۱۸ نفر از مسئولان فعلی و سابق قوه مجریه، و ۵۲ نفر نیز از نمایندگان فعلی و ادوار مجلس نام‌نویسی کردند. تعداد ثبت‌نام نمایندگان مجلس تقریبا بیشتر از نصف ثبت‌نام‌کننده‌ها یعنی ۶۵ درصد را به خود اختصاص داده بود که از این تعداد ۴۳ نفر (۵۴ درصد) نمایندگان ادوار مختلف مجلس بودند و ۹ نفر نیز از نمایندگان فعلی بودند که در انتخابات نام‌نویسی کردند. در نام‌نویسی خیل عظیمی از نمایندگان ادوار مجلس، نکته جالب توجه حضور داوطلبانی است که در دوره دوازدهم انتخابات مجلس نام‌نویسی کردند اما برخی از آنها حتی در حوزه انتخابیه خود رای نیاوردند (افرادی مثل زهره الهیان، محمودرضا میرتاج‌الدینی، حبیب‌الله دهمرده، محمد خوش چهره) و برخی حتی توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند (افرادی مثل احمدی بیغش، اردشیر مطهری، احمد رسولی نژاد). در میان افرادی که با سابقه اجرایی در دولت ثبت‌نام کردند نیز پنج نفر از دولت فعلی (محمدمهدی اسماعیلی، مهرداد بذرپاش، صولت مرتضوی، قاضی‌زاده هاشمی، داوود منظور)، چهار نفر از دولت روحانی (عبدالناصر همتی، اسحاق جهانگیری، عباس آخوندی، محمد شریعتمداری) و ۹ نفر نیز از دولت‌های دهم، نهم و اصلاحات برای ثبت‌نام به انتخابات ریاست‌جمهوری آمدند. این تعداد بالای ثبت‌نامی‌ها از ادوار مجلس و دولت، منجر شد ثبت‌نام این دوره هم خالی از حواشی و اتفاقات عجیب نباشد. حضور و ثبت‌نام داوطلب‌هایی که حتی در انتخابات مجلس رد صلاحیت شدند و برخی نیز نتوانستند در حوزه انتخابیه خود رای بیاورند، نشان می‌دهد هنوز لازم است تا تفسیر دقیق‌تری از رجل سیاسی و مدیر و مدبر بودن از جانب شورای نگهبان صورت گیرد و اگرچه مصوبه کلی که وزارت کشور اجرایی کرد، توانست تا حد زیادی مشکلات ثبت‌نام‌ها در وزارت کشور را حل کند، اما اتفاقی که در این دوره از مجلس افتاد نشان می‌دهد این مصوبه برای حل مشکلات ثبت‌نام کافی نبوده و می‌بایست شرایط و ضوابط دقیق‌تری برای ثبت‌نام‌ها سنجیده شود. اثر وضعی ارائه این تفسیر دقیق نیز در وهله اول منجر به کم شدن حضور چهره‌هایی خواهد شد که از ابتدا مشخص است نه خودشان برای رئیس‌جمهور شدن آمده‌اند، نه قرار است اساسا تایید شوند. از طرف دیگر فرآیند برگزاری انتخابات را در کشور سرعت می‌دهد و همچنین از ارائه تصویر منفی و دستاویز شدن ثبت‌نامی‌ها در رسانه‌های خارجی و داخلی نیز جلوگیری می‌کند.

احساس تکلیف با چاشنی مطرح شدن در رسانه

واقعیت این است که همه چهره‌هایی که در پنج روز گذشته با سابقه نمایندگی مجلس به ستاد انتخابات رفتند، می‌دانستند قرار نیست رئیس‌جمهور شوند. حضور آنها در وزارت کشور می‌تواند چند دلیل متقن داشته باشد؛

در این چند روز نام نمایندگانی از دوره‌های مختلف در رسانه‌ها منتشر شد که تا پیش از این خبری از آنها نبود، حالا اما درکنار نام‌شان داوطلب انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم قرار گرفته است. مطرح شدن در رسانه‌ها و انتشار نام و تصویر این داوطلب‌ها می‌تواند از انگیزه‌های حضور آنها برای نام‌نویسی در انتخابات ریاست‌جمهوری باشد. برخی داوطلب‌ها از این هم جلوتر می‌روند و تلاش می‌کنند با کنایه زدن به چهره‌های آشنای انتخابات ریاست‌جمهوری و تعریف کردن خودشان در حد رقابت، حضورشان بازتاب بیشتری در رسانه‌ها پیدا کند، مثل داوطلب انتخابات با سابقه نمایندگی مجلس که به محض ورودش به وزارت کشور، کنایه‌ای انتخاباتی به احمدی نژاد زد و گفت: «بهار تمام شده و حالا نوبت تابستان است» یا نامزد دیگری که اگرچه در انتخابات مجلس دوازدهم صلاحیت او تایید نشد اما با انگشتر اهدایی رهبر انقلاب به ستاد انتخابات آمد و تاکید داشت انگشتری که در دستش است، انگشتر اهدایی رهبر انقلاب است. تقریبا بیشتر این داوطلب‌ها برای رئیس‌جمهور شدن به ستاد انتخابات نیامده‌اند. نفس حضور آنها به منظور مطرح شدن چهره‌شان در رسانه‌هاست، حتی اگر تایید هم نشوند، حداقل به اندازه یک تریبون پنج دقیقه‌ای فرصت مطرح شدن در رسانه‌ها را پیدا می‌کنند. از طرفی برخی از این نامزدها که امکان تایید صلاحیت نیز دارند، حتی در نگاه افرادی که تخصصی از سیاست ندارند آنها را به این درک می‌رساند که نه این داوطلب‌ها برای رقابت جدی در انتخابات ریاست‌جمهوری آمده‌اند نه مردم آنها را برای رئیس‌جمهور شدن ترجیح می‌دهند. بهترین اتفاق برای برخی از این داوطلبان نام‌نویسی، تایید شدن و فرصت حضور در مناظرات و صحبت‌های انتخاباتی است. حضور محسن مهرعلیزاده در انتخابات ۱۴۰۰، مصطفی هاشمی طبا در انتخابات ۹۶ و محسن غرضی در انتخابات ۹۲ نمونه‌هایی از حضور اینچنینی در انتخابات ریاست‌جمهوری است. علاوه بر اینها حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌تواند رزومه خوبی برای برخی از این نمایندگان ادوار باشد، به فرض حضور و کسب چند میزان رای، در شعارهای تبلیغاتی خود در دوره‌های بعدی، نامزدی انتخابات ریاست‌جمهوری نیز کنار سوابق اجرایی و مدیریتی آنها هم قرار می‌گیرد.

پدیده جدید نامزد پوششی

حضور نامزدهایی که از ابتدا برای کنار رفتن به نفع دیگری و جدال با رقیب به صحنه انتخابات آمده‌اند هم اتفاق جدیدی است که این سال‌ها، در ادوار انتخابات‌های ریاست‌جمهوری دیده شده است. بخشی از داوطلبان ثبت‌نام‌کننده در انتخابات چهاردهم در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند. حضور نامزدهای پوششی، امر دیگری است که می‌تواند به اصل رقابت و جدی بودن انتخابات آسیب وارد کند. در ادبیات و اظهارات این نامزدها نیز خبری از برنامه جامع و دقیق برای اداره دولت دیده نمی‌شود. این نامزدها تلاش می‌کنند صرفا با به چالش کشیدن دیگر رقبا فضا را برای نامزد مورد حمایت خود باز کنند. اگرچه هنوز مشخص نیست انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم نیز پدیده‌ای با نام نامزد پوششی خواهد داشت یا خیر، اما با توجه به چهره‌های شناخته‌شده متعددی که در انتخابات نام‌نویسی کرد، نمی‌توان این احتمال را در این دوره از انتخابات نادیده گرفت.

همچنان از فقدان تشکیلات حزبی رنج می‌بریم

اگرچه لزوم اصلاح قانون برای ضابطه‌مندتر شدن ثبت‌نام‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری موضوع جدی است که همچنان فقدان آن احساس می‌شود، اما علت و ریشه اصلی حضور پررنگ نمایندگان ادوار مجلس را در وضعیت سیاسی کشور باید جست‌وجو کرد که همه آنها به خاطر «وضع بد اقتصادی و معیشتی» و «ادامه مسیر خدمت رئیس‌جمهور شهید» احساس تکلیف و به سمت خیابان فاطمی حرکت کرده‌اند. در فضای سیاسی چیزی تحت عنوان حزب سیاسی آن‌طور که باید قوام و شکل نگرفته است. بیشتر اسامی اجماع‌هایی که در شب‌های انتخاباتی به گوش می‌رسیدند، اسامی احزابی هستند که تنها روی کاغذ وجود دارند و یک‌بار مصرفند و تا انتخابات بعدی محو می‌شوند و بعد از آن با نام‌های مخفف دیگری اعلام حضور می‌کنند. این امر مخصوص طیف و جناح خاصی هم نیست. این ضعف فعالیت حزبی، هم در میان اصولگرایان قابل مشاهده است، هم اصلاح‌طلبان. در میان اصلاح‌طلبان اساسا چیزی تحت عنوان جذب و حضور چهره‌های جوان دیده نمی‌شود، همه افراد شاخص اصلاح‌طلب همان چهره‌های دوم خردادی و با همان درک و شناخت از فضای سیاسی و مردم جامعه هستند. در میان اصولگرایان نیز اجماع و تشکیلاتی زنده و یکدست دیده نمی‌شود. وجود ساختار حزبی منظم و چهارچوب‌دار و داشتن قاعده و شناسنامه مشخص و همچنین افتادن بار نقش‌آفرینی در انتخابات روی دوش احزاب منجر می‌شود به جای حضور چندین و چند چهره از یک طیف و جناح فکری، هر حزب سیاسی یک فرد مشخص را به عنوان فرد مورد حمایت خود معرفی کند. در چنین ساختاری هم فضای سیاسی برای رقابت شفاف‌تر می‌شود و هم حضور افراد از چند طیف و جناح فکری به حداقل می‌رسد. اما در صورت نبود ساختارمندی نظام حزبی و نداشتن یک گفتمان و ایده مشخص که درحال‌حاضر در فضای سیاسی ما به وضوح قابل مشاهده است، حتی برای اجرا و ادامه مسیر دولت سیزدهم نیز یک فرد از درون دولت معرفی نمی‌شود و تقریبا پنج نفر همزمان با اظهارات متفاوت و با شعار ادامه مسیر خدمت رئیس‌جمهور، به وزارت کشور می‌روند.

ردیف	عنوان	تعداد کاندیدا	توضیحات
کاندیداهای با سابقه حضور در دولت	دولت سیزدهم	۵	۲۲٫۵ درصد از کاندیداها سابقه حضور در دولت را دارند
	دولت روحانی	۴	
	دولت‌های پیشین	۹	
	جمع کل	۱۸	
کاندیداهای با سابقه حضور در مجلس	مجلس دوازدهم	۹	۶۵ درصد از کاندیداها سابقه حضور در مجلس را دارند
	ادوار مجلس	۴۳	
	جمع کل	۵۲	
از ۸۰ کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری ۷۰ کاندیدا سابقه حضور در مجلس و دولت را دارند			

دستاوردهای سفر علی باقری، سرپرست وزارت امور خارجه به سوریه و لبنان چه بود؟

غرب آسیای «واقعا» جدید

سرپرست وزارت امور خارجه در اولین دقایق حضور خود در دمشق، جلسه‌ای را با سران گروه‌های مقاومت فلسطینی برگزار کرد؛ جلسه‌ای برای همفکری درباره راه‌های نهایی شدن آتش‌بس در غزه و تثبیت پیروزی مقاومت حماس. اهمیت این مساله در این است که در روزهای اخیر برخی کشورهای عربی تلاش کرده‌اند دستاوردهای مقاومت را با اقدامات رسانه‌ای خود تحت‌الشعاع قرار دهند و مساله آتش‌بس و پایان جنگ غزه را یک توافق آمریکایی-عربی معرفی کنند.

تثبیت جایگاه «امنیت‌ساز» ایران در غرب آسیا؛ پیام سفر باقری‌کنی

چند روز بعد از سفر ناکام ژان ایو لودریان، وزیر خارجه سابق فرانسه و نماینده ویژه کاخ الیزه به لبنان، علی باقری‌کنی در اولین سفر خارجی خود در جایگاه سرپرست وزارت امور خارجه راهی بیروت شد؛ سفری که اهداف متعددی را دنبال می‌کند اما اصلی‌ترین آنها انتقال پیامی عمومی برای کشورهای منطقه است. این امر که قدرت‌های فرامنطقه‌ای دیگر توانایی ایجاد اجماع در غرب آسیا و حل مشکلات امنیتی کشورهای عربی را ندارند، اصلی‌ترین موضوعی است که سفر باقری‌کنی به بیروت آن را مخابره می‌کند. ایران در دوران پساطوفان الاقصی به جایگاه «امنیت‌ساز» در غرب آسیا رسیده و این باور در میان سران کشورهای عربی تثبیت شده که معضلات امنیتی منطقه صرفا با حضور و مدیریت تهران قابل حل است و دورانی که قدرت‌های فرامنطقه‌ای دست به بازی‌سازی در پایتخت‌های عربی می‌زدند، به پایان رسیده است.

شبکه مقاومت؛ ناظم جدید غرب آسیا

در ۱۹۱۷ میلادی و در آستانه فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم، تنظیم نظم امنیتی مناطقی که تحت تسلط این امپراتوری بودند، مورد توجه پاریس و لندن قرار گرفتند. ژنرال سایکس انگلیسی و ژنرال پیکوی فرانسوی تصمیم گرفتند نظم منطقه را بین خودشان تقسیم کنند، برای همین برخی کشورها مثل سوریه و لبنان به فرانسه رسیدند و به شکل ماهیتی به استعمار فرانسه درآمدند و برخی دیگر نیز به انگلستان رسیدند. بعد از جنگ جهانی دوم این فرآیند نظم امنیتی کمرنگ شد و به سمت آمریکا رفت و آمریکا بود که ناظم منطقه شد. حالا بعد از جنگ ۳۳ روزه و ناکامی اسرائیل در تحقق آن چیزی که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت آمریکا به عنوان درد زایمان غرب آسیای جدید نام برده بود، این شبکه مقاومت است که واقعا نظم جدید غرب آسیایی یا غرب آسیای واقعا جدید را محقق می‌کند.

باور کشورهای منطقه به قدرت ثبات‌سازی ایران

علی باقری‌کنی اولین سفر خارجی خود- را بعد از شهادت دکتر حسین امیرعبداللهیان، وزیر شهید وزارت امور خارجه و در جایگاه سرپرست وزارت امور خارجه- لبنان و سوریه انتخاب کرد تا چند دستورکار را دنبال کند؛ دستور کار اول این بود که این مساله باید به گوش جهانیان برسد که مردم و حتی دولت‌های منطقه به این نتیجه رسیده‌اند که زمان تثبیت قدرت در منطقه غرب آسیا توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای تمام شده است. چند روز پیش وزیر خارجه فرانسه و نماینده ویژه آن کشور در امور لبنان به بیروت سفری داشت اما نتوانست برای تشکیل دولت و انتخاب رئیس‌جمهور در این کشور به نتیجه‌ای برسد، بنابراین ناکام ماند اما چند روز بعد از این شکست سیاسی، حضور باقری‌کنی و استقبال گسترده‌ای که هم از سوی مقامات سیاسی و هم افکار عمومی لبنان اتفاق افتاد، نشان داد کشورهای منطقه درحال‌حاضر به این باور رسیده‌اند قدرت‌های ثبات‌سازی مثل ایران هستند که می‌توان رویشان حساب کرد و برای پیشبرد مناسبات منطقه‌ای خود از آن کمک گرفت. دورانی که فرانسه، انگلیس، آمریکا و همه قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای امنیت‌سازی منطقه فعالیت می‌کردند، تمام شده است.

ایران بازیگر اصلی در ایجاد آتش‌بس بین اسرائیل و غزه

دستورکار بعدی باقری‌کنی بررسی ماجرای ایجاد آتش‌بس و پایان جنگ اسرائیل علیه غزه است. صحبت‌هایی که در نشست‌های گسترده و پرتعداد دیپلماتیک صورت گرفت، نشان از این امر داشت که بازیگری اصلی پایان جنگ اسرائیل علیه غزه به ایران تخصیص یافته است. تمام سران گروه‌های فلسطینی که باقری‌کنی در سوریه با آنها دیدار کرد و همچنین سران کشورهای سوریه و لبنان تاکید کرده‌اند ایران از ابتدای شکل‌گیری جنگ غزه بازیگر اصلی پیگیری حقوق فلسطینیان بوده و درحال‌حاضر هم چنین است. اهمیت این مساله در این است که برخی کشورهای عربی با همکاری آمریکا تلاش می‌کنند خودشان را راه‌حل ارائه‌دهنده و نهایی‌کننده پایان جنگ و آتش‌بس در فلسطین و در غزه معرفی کنند اما هم افکار عمومی و هم مدیران ارشد سیاسی کشورهای سوریه و لبنان تاکید داشته‌اند این نقش متعلق به ایران است.

مهار رژیم صهیونیستی دستاورد مهم و وعده صادق برای کشورهای منطقه

مساله بعدی تاکید بر دستاوردهای پساوعده صادق است، یعنی آن قدرتی که برای ایران بازدارندگی آورده و واکنش نظامی جدی که به اسرائیل صورت گرفته باید در منطقه گسترده شود و زمینه باثبات‌سازی قرار گیرد. کنترلگری رژیم یاغی صهیونیستی که به بسیاری از کشورهای منطقه آسیب رسانده، مانند اشغال جنوب لبنان یا بلندی‌های جولان- که توسط اسرائیل اشغال شده بودند- فلسطین را تحت فشار قرار داده بود و کرانه باختری را آزار می‌داد، حالا بعد از عملیات وعده صادق ایران، اسرائیل کنترل و مهار شده است. در چنین شرایطی ایران وضعیت بسیار مناسبی برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه دارد و می‌تواند کشورهای منطقه را از تجربیات خودش بهره‌مند کند که این یکی از دستاوردهای مهم سفر باقری‌کنی است.

ادامه از صفحه ۱

سوم. رهبر انقلاب در مراسم ۱۴ خرداد با تعیین یک ویژگی مهم فضای کلی انتخابات را تحت تاثیر قرار دادند. رهبری با تمرکز بر سلوک رفتاری آقای رئیسی او را به عنوان یک سیاستمدار اخلاق‌محور معرفی کردند و با خطاب قرار دادن همه فعالان انتخاباتی، معیار رقابت سیاسی را لجن‌پراکنی نکردن و حفظ حرمت افراد شمردند. اشاره رهبری احتمالا چیزی فراتر از چند ویژگی فردی رئیس‌جمهور شهید است. در چند انتخابات گذشته حجم تولیدات سیاه علیه رقبا به شدت بالا رفته بود. متاسفانه این ابزار منحصر در یک جناح و گروه سیاسی نیست و با عناوین پرزرق‌وبرق مانند عدالتخواهی و... رخ‌نمایی می‌کند. میزان افشاگری‌های انتخاباتی در برخی دوره‌ها آنقدر بالا بوده که از منظر اجتماعی فرد سالمی برای انتخاب باقی نمی‌ماند. معمولا روش‌های لجن‌پراکن با رادیکال کردن فضای سیاسی، آتش به دامان مشارکت عمومی می‌اندازند و بعد از یک دوره تندوتیز از افشاگری‌ها، باعث قهر و رویگردانی جامعه از سیاست می‌شوند. حذف مردم از سیاست به هر اسمی باشد، یک عمل ضدملی و خلاف اصول اساسی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

چهارم. لشکرکشی کاندیداها به وزارت کشور به معنای «شکست ایده تحریم انتخابات» است. تقریبا همه گروه‌های سیاسی مشهور و شناسنامه‌دار حداقل با یک تا چند چهره پا در عرصه گذاشته‌اند. فارغ از اینکه شورای نگهبان چگونه تصمیم خواهد گرفت، اصل ورود افراد و گروه‌هایی که ژست قهر با صندوق را داشتند نشان می‌دهد مسیر قبلی مسدود است. حتی یکی از چهره‌های برجسته اصلاح‌طلب رسما گفت خاتمی از او خواسته کاندیدا شود. احتمالا خاتمی از چندین چهره دیگر هم چنین درخواستی داشته، چون این اظهارنظر هیچ‌گاه تکذیب نشد. به لیست نهایی هم که نگاه می‌کنیم تعداد قابل‌توجهی از چهره‌ها با دیدگاه‌های مختلف سیاسی موجود هستند. نظرسنجی‌های معتبر که نشان‌دهنده یک کف رای قطعی در انتخابات ۸ تیر است هم در ورود افراد مختلف نقش مهمی ایفا کرده است. درباره شکست ایده تحریم انتخابات در روزهای آینده در «فرهیختگان» بیشتر خواهیم نوشت.

پنجم. ویژگی منحصربه‌فرد انتخابات ریاست‌جمهوری ۸ تیر اما حادثه شهادت رئیس‌جمهور و همراهانش است. رخداد ۳۰ اردیبهشت ابعاد سیاسی اجتماعی زیادی دارد اما به صورت قطعی سایه سنگینی بر انتخابات پیش‌رو و تغییر دولت انداخته است. به هر حال علاوه بر اینکه ورود سیدابراهیم رئیسی به انتخابات ۱۴۰۰ کار را برای بسیاری از هم‌قطاران گفتمانی‌اش از منظر رسیدن به دولت سخت کرده بود، ویژگی‌های برجسته فردی و سیاسی رئیس‌جمهور شهید و نحوه شهادت او که در حین ماموریت کاری و مظلومانه بود، شکل و شمایل انتخابات ریاست‌جمهوری امسال را هم تغییر داده است. سایه «اخلاق محوری» در کنش سیاسی از یک طرف و میراث سیاسی او در گشودگی به سلایق مختلف سیاسی از سمت دیگر شخصیتی متفاوت از شهید رئیسی ساخته است. ویژگی‌های برجسته همیشه در خطر انحصارگرایی و سوءاستفاده فردی یا گروهی است. مخصوصا وقتی ظرفیت اجتماعی رئیس‌جمهور شهید در مراسم تشییع و بدرقه و تدفین به رخ کشیده شد، عده‌ای درصدد بهره‌برداری حداکثری از آن با هزینه حداقلی هستند. به صورت کاملا قابل پیش‌بینی ادعای نزدیک‌ترین دیدگاه به منش و سلوک جناب رئیسی یکی از انگیزه‌های صف کاندیداها در چند روز گذشته بود. برخی افراد اما از نظر اجتماعی با «این همانی سازی» سعی می‌کنند کل سبد رئیس‌جمهور شهید را تصاحب کنند. اضافه شدن تقریبا شدید گروهی از کاندیداها به صف انتخابات چالش بر سر گزینه «ادامه رئیسی» است. معمولا دو انگیزه برای ورود افراد «هم‌تیپ سیاسی» به عرصه انتخابات وجود دارد. یکی پوشش و کمک به یکدیگر، دومی اعلام این موضع که «اصل جنس من هستم.» ورود تعداد زیادی کاندیدای «هم‌شکل» از یک «تیپ سیاسی» درحالی‌که حامیان آنها در فضای عمومی در حال نقد یکدیگر هستند، نشان می‌دهد مساله اصلی این افراد «شکستن انحصار» در برداشت از سبد رئیس‌جمهور شهید است. تنها مزیت این نکته این است که جامعه متوجه می‌شود جناب رئیسی در هیچ‌کدام از این افراد میراث‌دار سیاسی قرار نداده است.

ششم. البته جامعه هنوز در شوک این حضور پرشور سیاسیون در وزارت کشور مانده است. واقعا چه انگیزه‌ای برای برداشتن شناسنامه و... و رفتن به میدان فاطمی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد هیچ توجیه منطقی غیر از ورود به باشگاه «چانه‌زنی سیاسی» نمی‌تواند این حجم از ثبت‌نام اهالی سیاست برای پست حساس ریاست جمهوری را توضیح دهد. برای برخی همین قدر که جلوی دوربین‌ها و پخش زنده تلویزیونی به عنوان کاندیدا معرفی شوند، کافی است و بارشان را بسته‌اند! برای سطح بالاتر، عبور از سد شورای نگهبان و قرار گرفتن در لیست نهایی سرمایه گرانبهایی محسوب می‌شود. با این سرمایه، پست‌های حساس و مهم و... در آینده تضمین خواهد شد. ایده «سنگ مفت، گنجشک مفت» در قامت سیاسی هم ریشه و بنیاد این باشگاه چانه‌زنی است.

هفتم. اما صحنه اصلی انتخابات و رقابت واقعی در انتخابات ۸ تیر ۱۴۰۳ چگونه خواهد بود؟ صحنه‌ای که حالا با ورود تنوع زیادی از چهره‌ها با نظر نهایی شورای نگهبان شکل خواهد گرفت. آیا ایده‌های دستکاری شده قبلی و نشستن روی چالش‌های اجتماعی رای‌ساز است؟ آیا بازسازی انتخابات‌های سال‌های دور و نزدیک ممکن است؟ کدام چهره می‌تواند نشان دهد توانایی عبور از چالش‌های نظام حکمرانی را دارد؟ اساسا انتخابات ریاست جمهوری به خاطر انتخاب یک فرد به صورت ملی در قد و قواره‌ای متفاوت از بقیه انتخابات‌ها برگزار می‌شود. برای کسب رای بیش از ۵۰ درصد از مشارکت‌کنندگان با فرض حدود ۵۰ درصد مشارکت از بیش از ۶۰ میلیون نفر واجد شرایط، چه ایده‌هایی باید مطرح شود. به اندازه و بزرگی اعداد نگاه کنید. یک ایده سیاسی جامع در یک انتخابات خاص که مثل یک میهمان ناخوانده و غیرپیش‌بینی شده وارد کشور شده، چه ویژگی‌هایی دارد؟ این سوالاتی است که باید در روزهای آینده به آن جواب داد.

چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۵۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY